

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سید موسی عثمان هستی

۲۷.۰۷.۱۰



خصلت جاسوسان است که هم درمیخ بزندهم درنعل

جاسوس به اجنی شدی ونشتر بجان ملت خویش
سودش به جیب خویش نمودی دل ملت ریش
به نام دین و آیدیا سرزدی به دیرو کعبه و هرکیش
عقرب یزیدی ترا ساختند، تازنی برجان ما نیش

سایت افغان جرمن آنلاین و سایت خاوران که به لانه تبلیغاتی شاه پرستان، داوود پرستان، غلامان روس، مجاهد وطن فروش، طالب خود فروش و چپ و راست موقع شناس تبدیل شده، هر دوسایت به مانند حمامی که بخاطر روز مبادا به آب گنده ضرورت دارد حتی نوشته های جاسوسان و افراد سر شناس جنایتکاران سه ونیم دهه را به بهانه آزادی مطبوعات بنشر می رسانند و بجای شاه محمود حصین (ش حصین) می نویسند، هر چند از نگاه

آزادی مطبوعات کاری است درست و احترام به حقوق دموکراتیک افراد. ولی نباید فراموش نمود که در پهلوی حفظ حق دموکراتیک افراد، حقوق دموکراتیک جمعی مردم را نیز نباید نادیده گرفت. من به حیث فردیکه در حقوق تحصیل نموده و سابقه کار در قضا دارم به خود حق می دهم حکم نمایم که وقتی حق افراد در تقابل یا حق جامعه قرار می گیرد، باید حفظ حق جامعه را محترم شمرده و تلاش نمائیم تا حفظ حق فردی را در ضمن تأمین حق جامعه بر آورده سازیم.

همین طرز دید به گردانندگان سایت ها و جراید حق می دهد تا در موارد لازم تبصره ای را که ضامن حفظ حق جمع باشد در زیر مقاله و یا نوشته یک فرد بنویسد. مگر با تأسف برخی از سایت با وجودیکه می دانند که دار دسته های فوق خیلی چشم سفید و پررو هستند و نوشته و قلم شان مانند حزب و تنظیم شان نمک بر زخم ملت مظلوم افغانستان است، همچو نوشته هائی را به نشر می رسانند.

چون گردانندگان دوسایت متذکره روابط سابقه با قماش های بدنام بالا داشتند و نمی توانند از روش عالی پورتال وزین "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" استفاده نمی کنند، در نتیجه یا بخاطر ناتوانی قلمی و یا بخاطر ارتباطات قبلی نه تنها از تبصره بر زیر نوشته خابنین خود داری می کنند بلکه با افتخار با نام و عکس شان نوشته های جاسوسان و تفرقه اندازان فاشیستان زبان پشتو و تنگ نظران زبان فارسی را که خود را خراسانی قلمداد می کنند و هر دو قماش چتل و بدنام در تلاش بخاطر تجزیه افغانستان هستند، امکان نشر می دهند.

این دوسایت می دانند و نوشته هارا میخوانند مگر با آنهم به ملت افغانستان رحم نمی کنند میخواهند که آرزوی دولتمندان پاکستان و ایران، روسیه و امریکارا بر آورده سازند و آگاهانه نوشته خابنین را بنشر می رسانند اگر یک روز مثلیکه پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" نوشته اعظم سیاسی را بخاطر آزادی مطبوعات بنشر رساند و هم تبصره دندان شکنی بخاطر ملت خود در زیر نوشته سیتانی نوشته کرد و همان تبصره سبب شد که اعظم سیستانی دیگر جرأت نوشتن در پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" پیدا نکند و موقع ندادن به سیستانی که عضو هیأت رئیسه شورای انقلابی دولت نوکران روس بود با وجودیکه در آغاز جنگ نابرابری بر "افغانستان آزاد" و شخص استاد "موسوی" تحمیل نمود، مگر در دراز مدت همه شاهد بودیم که پورتال "افغانستان آزاد" از آن جنگ سرفراز و با خطر روشن بیرون شده روسیاهی به سیستانی ها و طرفدارانش باقی ماند. آنهم چه روسیاهی که هیچ یک از آنها جرأت ابراز نظر راجع به گذشته خود را هم ندارند. این وطن فروشان از برکت مبارزه "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" آنقدر رسوا و سرافکنده شده اند که به غیر از لعنت به گذشته خود و اکنون خود را در صف مبارزان ضد اشغال جا دادن، راه علاجی برایشان نمانده است. مگر این بندگان دالر باید بدانند که موضع گیری های فعلی شان چیزی بیشتر از چهارزانو نشستن بعد از تعفن پراگنی نیست

وقتی من باز هم در همان سایت ها که از گذشته پند نمی گیرند، همچو مطالب خابنانه را می خوانم و می بینم که آنها باز هم با چشم سفیدی بر زخمای ملت و از جمله خودم نمک می پاشند نا چارمی شوم که وای بگویم. چند روز قبل در سایت جرمن جرمن آنلاین نوشته ای خواندم از یک وطن فروش مزدور بنام وحید مزده که از سابقه این شخص و خانواده این شخص تمام ملت افغانستان خبر دارد و در یکی از نوشته های قبلی خود ارتباطات نامشرع این خانواده را با جمعه گل خان صدیقی که از بدنام ترین نایب الحکومه های دروران صدارت سردار داوود در قطن بود، به تفصیل تذکر داده بودم.

نوشته وحید مزده بیامد روزی را آورد که من از زندان بعد از کشته شدن روان شادان میوندوال و جنرال خان محمد خان مرستیال بعد از لت و کوب و شکنجه غیر انسانی رهانده بودم غلام محمدخان غبار و عبدالهادی خان داوی که

از دوستان نزدیک پدر من بودند به پروان آمده بودند غلام شاه سر شار شمالی و خواجه داود شاه مدیر معارف با صوفی عشقوری در آن مجلس در گلغندی پروان تشریف داشتند جنرال رسول ربیب ضبط احوالات زمان صدارت سردار محمد داود هم با چند بونده باز و مرغ باز همراه میر عبدالعلیم شاروال سابق پروان در گلغندی خیمه زده بودند و در اطراف خیمه شان چند قفس مرغ کلنگی و چند سک از دور دیده می شد ساعتی نگذشته بود که جنرال رسول ربیب ضبط احوالات بر طرف شده با خدا بیامرز میر عبدالعلیم آهسته آهسته به قدم زدن شروع کردند و نا خودگاه به جائیکه مانسسته بودیم روان بودند میر غلام محمد خان غبار به مجردیکه چشمش به جنرال رسول ربیب ضبط احوالات افتاد گفت داوی صاحب" مار را که پوینه بدش می آید به دهن غارش سبز می کند" آن نفری که بطرف ما و شما می آید جنرال رسول ربیب ضبط احوالات سردار داود نیست؟ داوی صاحب گفت: بلی همان سگ است

در سایت افغان جرمن آنلاین وحید مژده تحت عنوان (گزارشی از یک ملاقات) جریان دیدن اشخاص زیر را در خانه شخصی سفیر انگلیس بعد از اینکه این ملاقات اشاء می شود در قید قلم آورده و از طریق سایت افغان جرمن آنلاین بنشر رسانیده شده که قابل تاسف است

۱- احمد سعیدی

۲- هارون میر

۳- داندورانی

۴- حبیب الله رفیع

۵- وحید مژده

۶- داکتر محی الدین مهدی

۷- انجنیر محمد یونس فکور

همه می دانیم که اکثر افراد متذکره از مزدوران و اعضای دارودسته جنایتکاران سه و نیم دهه اخیر به شمار می روند و در جمله شان یک کارمند ضبط احوالات زمان شاه حبیب الله رفیع و یک جاسوس شناخته شده کاجی بی خود مژده که سالها با حزب اسلامی و طالب همسنگر و در خدمت مستقیم آی اس آی، حزب اسلامی و طالب قرار دارد و حیدمژده از نازدانه های این دو قماش بد نام می باشد

سؤال در اینجا است در بیش از ۳ و نیم میلیون نفوس کابل هیچ انسان پیدا نشد که سفارت انگلیس از آنها نظر خواهی می کرد تنها این اشخاص مغز متفکر جامعه افغانستان بودند؟ بطور مثال وحید مژده از مهمانان سفارت انگلیس نام برده کسانی که با طالب و یا اخوان ارتباط داشته همه را در قران بخاطر پاکی پیچیده تنها یک جاسوس کاجی بی انجنیر محمد یونس فکور را متهم به وطن فروشی کرده و او را در کتاب مارکس ولینن کفن نمودن" کور خود شده و بینای مردم"

بشما خواننده گان گرامی و عزیز که دل تان به وطن و ملت خود تان می سوزد بشکل خیلی خلص چند نفرشان را معرفی می کنیم که مشت نمونه خروار است

من آقای حبیب الله رفیع را به آخرین بار در دکان حلال پیزه که داشتم در تورتوتوی آنتریوی کاناد دیدم که توسط حسن سهاک، اسدالله شعور، و خورشید جان عطایی شاعر شناخته شده وطن ما خودش با خانواده اش از پاکستان اسپانسر شده بودند و در خانه دوست خیلی نزدیک من خورشید عطایی زندگی میکردند دیگر تا امروز حبیب الله رفیع را ندیدم

آقای حبیب الله رفیع تحصیلات عالی ندارد چند روزی در حجره مسجد بنام چلی مصروف خواندن قران و پنج گنج و خواجه حافظ بوده بعد از یاد گرفتن خط بطرف کابل آمده در آن وقت که هرکس خط پای گنجشکک هم می داشت بصفت کاتب مقرر می شد او به کابل می آید توسط اسماعیل خان وردکی مشهور به مایار کاتب مقرر می شود و به ضبط احوالات معرفی می گردد دستگاه های جاسوسی که از کاه کوه می سازد در وجود حبیب الله رفیع این استیاد خداوندی را می بیند می خواهد از رفیع مردهرپیشه و هر کاره سازد

صدارت داوود سقوط می کندولی حبیب الله رفیع در پهلوی کار ماموریت رسمی خود این شغل افتخاری خود را تا آمدن حکومت حزب دموکراتیک خلق ادامه می دهد و در وظیفه خود صادق هم می باشد با آمدن حزب دموکراتیک خلق بخاطریکه حزب مذکور از ملا نورت داشت دو وظیفه از طرفیروی سیاسی حزب به دستگیر خان پنجشیری که عضو بیروی سیاسی بود، داده می شود

اول لست و اسناد کسانی را که با حزب دموکراتیک خلق ارتباط داشتند و در دولت شاه سردار محمد داوود وظیفه جاسوسی داشتند به کمک یک جنرال بنام جنرال اسماعیل عضو مخفی حزب دموکراتیک خلق که در آخر حکومت سردار محمد داوود رییس مصونیت ملی بود، از بین ببرد

دوم به پنجشیری هدایت دادند چون اکثریت جاسوسان دوره سلطنت جمهوری سردار محمد داوود را ملا ها تشکیل می داد آنها را شناسایی کنند و از دستگاه جاسوسی بکشند وحتا آنها را محو سازند که هر دو کار را دستگیر خان پنجشیری موفقانه انجام داد

حبیب الله رفیع که مرد هوشیار بودبا تره کی از نزدیک می شناخت هم در میخ زد و هم در نعل بعد از آمدن حزب دموکراتیک خلق همکاری با حزب اسلامی را آغاز کرد خلاصه باطالب و با آمدن کرزی و اشغالگران توسط فاروق وردک جای پای خود را در بین دولت کرزی باز کرد و نورچشم اشغال گران شده حالا نمی دانم که حبیب الله رفیع القاب استادی را از کجا مانند مجاهدین به غنیمت گرفته نقل هر مجلس و مدیا است و حق هم داشت که دعوت از طرف سفارت انگلیس می شد

انجینر یونس فکور یک خلقی شناخته شده که دست آن به خون ملت افغانستان آغشته بوده همه او را می شناسد ضرورت به معرفی آقای وحید مژده نبوده وحید مژده از خود و جنایت حزب اسلامی و طالب بگوید طالب و مجاهد بود که روی حزب دموکراتیک خلق را سفید کرد و ملت مظلوم افغانستان رابه کفنگش بدنام محتاج ساخت و ملت دید که خلق و پرچم اگر کشتند زندانی ساختند ولی ناموس شان رادر روی بازار کش و کوب نکردند و با کیبل نزدند و وقتی هم کشتند مثل طالب و مجاهد زن را در پیشروی طفل زن به مرمی نزدند شما بودید که بنام دین خشتک گنده کردید نه تنها ملت افغانستان جهان از بوی گنده خشتک شما سر گرفته نمی تواند

به جاسوس همان طوریکه و جدانش ارزش ندارد فرق نمیکند که به کی جاسوسی می کند و سر تعظیم فرو می برد، قسمی که به خود وحید مژده فرق ندارد در خدمت کی قرار دارد به یونس فکور هم فرق نمی کند که مزدورکی باشد خصوصاً در این وقتیکه کمونست نما ها مانند یونس فکور و مسلمان نما ها مانند حبیب الله رفیع و خود وحید مژده دهل دوسره سیاسی می زنند

وقتیکه مجلس مخفیانه و دور از چشم کور ملت با سفارت انگلیس افتاء می شود و معلوم می شود که آنها از قاتل ملت تحفه گرفته اند و وحید مژده از بی شرمی که عادت همیشگی وی است کار گرفته ،می خواهد که خود و دیگر دارودسته همقماش خود را برائت داده باشد دست به صحنه سازی قلمی می زند و وحید مژده کوشش می کند نیم کاسه هارازیر کاسه پنهان سازد نمی گوید که ما به کدام حق در آن مجلس دشمن تاریخی ملت افغانستان اشتراک کردیم

وبه نمایندگی از کدام دار و دسته، ونمی گوید که علت چه بود روی چه اعتبار مارکسیت و مرتدین اسلامی را سفارت انگلیس دور یک میز جمع کرده بود و از آنها نظر خواهی مینمود و هم از ارتباطات سابقه این اشخاص به شمول خودش با سفارت انگلیس خود داری می کند و مجلس را شکل معمولی سیاسی جلوه می دهد وقتی که نوشته را بخوانید فکر میکنید ه آب از آب تکان نخورده یک اتفاق عادی بوده در حالیکه همه چیز قبلاً طرح ریزی شده بود و خاینین همان طوریکه یکدیگر را می شناختند نظر به خصلت مزدوری که دارند دور هم در خانه دشمن ملت افغانستان جمع شدند

بخاطریکه واقعیت ها پنهان شود حریف سابق شان محمد یونس فکور که دوست امروز شان است با خامه بزدلانه خود را ملامت میکند تا آنچه که واقعیت بوده پنهان شود اگر وحید مژده کمی وجدان می داشت قبل از اینکه به سفارت انگلیس دشمن شناخته شده افغانستان می رفت ملت افغانستان در جریان می گذاشت.

چون از نگاه دیپلماسی ملاقات ها قبلاً چوکات بندی می شود و هدف ملاقات یک هفته دو هفته قبل به جانب مقابل گفته می شود که آمادگی داشته باشد خالی ذهن نباشد تا روزیکه ملاقات آن جمع و طنفرش که ممکن برای فریب و اغفال مردم انسان شریفی را نیز در همچو مجلسی دعوت نمایند، افشاء نشده بود، وحید مژده سکوت کرده بود

در حالیکه وحید مژده می داند که ترورست خودکسانی ساخته اند که امروز داخل افغانستان بنام دوستی ناف چپک می سازند و سفیر انگلیس می داند که ترورست در افغانستان نیست و اگر است از پاکستان می آید و ریشه این جنایت ها در پاکستان است پایگاه ترورست همان طوریکه در پاکستان است عساکر امریکا و ناتو و انگلیس هم باید در پاکستان باشند و مبارزه علیه القاعده و ترورست در پاکستان کنند و پایگاه های خود را به پاکستان ببرند هم مصرف شان کم می شود و اگر راست می گویند آب ترورست را از سرچشمه خشک می سازند پایگاه های ترورستی را در پاکستان به آسانی می توانند محو سازند ولی هدف شوم در منطقه دارند بخاطر ادامه رذالت های سیاسی شان آشکارا از پاکستان و طالب حمایت می کنند و راز خصوصی شان با وحید مژده ها سالها بوده است و مژده ها دسته تبری هستند که از خود درخت به خاطر زدن خود درخت کار گرفته می شوند و از صدها دید و باز دید این خاینین در لباس اسلام و کمونست یکی آن افشاء می شود وقتی که افشاء شد بخاطریکه مدیا و ملت کر و کور افغانستان را ناجوان مردانه فریب داده باشند داستان سازی میکنند اگر این دار و دسته چپ و راست وطن فروش قبل از رفتن خود هدف ملاقات و دعوت شدن به سفارت انگلیس داشتند چرا به ملت کر و گنگ افغانستان چیزی نگفتند امروز مقاله و نوشته مژده وطن فروش نه تنها قابل قبول حتماً قابل خواندن و نشر نیست من بخاطر بی ارزش ساختن نوشته وحید مژده چیزی از آن نوشته در این نوشته نیاوردم نقد آزاد را بکار بردم

نوشته وحید مژده که بشکل داستان بی دم و بی یال نوشته شده و در سایت جرمن آنلاین بنشر رسیده شکل آگاهی را ندارد بلکه شکل توهمین به ملت افغانستان دارد رفتن و مجلس کردن با دشمن ملت افغانستان بدون آگاهی ملت افغانستان توهمین به ملت افغانستان است هر فرد افغان اگر وجدان و شرافت دارد قبل از اینکه با دشمنان ملت افغانستان در تماس می شوند باید ملت افغانستان را در جریان توسط مذاکره دهد و اگر مانند وحید مژده تعفن بوی ناک خود را بی شرمانه پخش می کند با ز چهارزانو می نشیند ملت افغانستان بی عقل نیست می داند آنچه که واقعیت دارد این جاسوسان راز مجلس را بیرون به ملت نداده اند از طریق سایت های خود فروخته می خواهند که ذهن ملت ما را مغشوش سازند و نیم کاسه های رذالت را زیر کاسه بزرگ سیاست پنهان سازند و آب در آسیاب دشمن سرازیر کنند و آب آسیاب را در پاین خت بسازند و ماهی بگیرند پیش ملت ما یونس فکور و « و حبیب الله رفیع فرق ندارد و حرف خوب و بد شان دفاع و یا تخریب شان نه درد ملت ما را دوا میکند و نه از شخصیت ملت ما چیزی کم می سازد

تنها حرف های وحید مزده وسایت افغان جرمن آنلاین با این نوشته ها زخم ملت افغانستان راتازه می کند که امید است سایت افغان جرمن آنلاین از خدا بترسید به خاینین شناخته شده موقع نهد که بر زخمهای ملت مظلوم افغانستان بخاطرخوش شدن بادران استعماری شان و بخاطرگرم شدن سایت شان به جگر نشتر خورده ملت افغانستان نمک پاشی نکنند من دشمنی شخصی با هیچ کس و هیچ حزب و هیچ جریان و تنظیم و دین و مذهب آیدیا زبان منطقه ونژاد ندارم و اگر ببینم ویابشنوم که برجان ملت افغانستان زهر پاشی میشود به حکم وجدان خودرا مکلف می دانم بدون اینکه سر املاء و انشاء فکر کرده باشم با عجله می نویسم و جریان را افشاء میکنم به من فرق نمی کند که دوست من است یا دشمن من با هرکس بخاطر انسان و انسانیت و بخاطر ملت افغانستان و وطن خود دوستی و دشمنی دارم هر گاه منافع افغانستان را هرکسی که باشد زیر پا کند و اگر جزء فامیل من هم باشد به آن رحمی نمی کنم و می گویم دست تو آزاد هر چه که از دست تو برمی آید انجام داده می توانی من دشمن خاین هستم به من فرق نمی کند که در کدام نقطه دنیا زندگی میکند در کدام مفکوره و آیدیا است .